



در گفت و گو با دکتر راغفر، اقتصاددان و پژوهشگر فقر و رفاه مطرح شد:

دارا و ندار، فاصله‌ای که با وجود یارانه نقدی پررنگ‌تر شد

پیشنهاد تقسیم بندی یارانه‌ها به چند دسته بر اساس نیاز هر خانوار

حامد رحیم پور



«ریشه اصلی مشکلات اقتصادی به سیاست های داخلی بر می گردد. سهم تحریم ها در به وجود آمدن این مشکلات حداکثر ۵ درصد است. فلسفه پرداخت یارانه ها به کلی فراموش شده است، این که هر ماه به فردی پول بدهیم اما بیکار باشد، حفظ عزت نفس او نیست و...» این ها را مردی می گوید که استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا (س) است؛ حسین راغفر، دانش آموخته مقطع دکترا در رشته اقتصاد از دانشگاه ساسکس انگلستان که سال هاست دروس مختلف اقتصادی تدریس می کند. او که روزگاری بر صندلی ریاست فدراسیون فوتبال هم تکیه زده است، جوانی اش را در بطن روز های انقلاب گذرانده و در سال های پس از انقلاب در زمینه فقر و رفاه بسیار پژوهش کرده است، مشروح این گفت و گور از نظر می گذرانید.

برخی اقتصاد دانان، وعده های دولتمردان در ۸ سال اخیر را به وعده های سال های نخستین انقلاب تشبیه می کنند. وعده ای با مضمون توزیع پول نفت میان مردم، این بار اما در پوشش قانون هدفمند سازی یارانه ها، البته دولت دهم به عنوان طراح این روش توزیع پول به مردم و نیز دولت فعلی در تداوم اجرای آن دچار مشکل شدند. هم اکنون دولت حدود یک هزار میلیارد تومان در هر ماه برای پرداخت یارانه ها کسری دارد. از سوی دیگر به دلیل افزایش تورم، ارزش واقعی رقم یارانه ها به یک سوم کاهش یافته است. با توجه به آن چه در ایران رخ داد و نیز با توجه به تجربیات دیگر، فکر می کنید عدالت اقتصادی با روش هایی مانند پرداخت نقدی محقق می شود؟ آیا فقر با توزیع پول میان مردم کاهش می یابد؟

باید عرض کنم که در سال های نخست انقلاب کسی وعده توزیع پول نفت میان مردم را نداد و این وعده عوام گرایانه تنها در دولت های نهم و دهم ارائه شد. فلسفه اصلی عدالت اجتماعی و رفع فقر حفظ عزت نفس آدم هاست. اما نتیجه سیاست هایی که هدف خود را کاهش فاصله درآمدی و رفع فقر اعلام می کرد به خلاف خود تبدیل شد. با شروع پرداخت یارانه ها مسئولان تاکید داشتند که نیاز های اولیه همه مردم بر طرف شده و دیگر در جامعه فقیر نداریم. در حالی که فلسفه پرداخت یارانه ها به کلی فراموش شده است، پس این که هر ماه به فردی پولی

بدهیم اما کاری نداشته باشد و بیکار باشد حفظ عزت نفس او نیست. آن چه از پرداخت های نقدی حاصل شد جز مصیبت برای جامعه نبود. سرعت آسیب های محیط زیستی در اثر افزایش قیمت حامل های انرژی بی سابقه است. طبق آمار سازمان محیط زیست از زمستان ۱۳۸۹ تا زمستان ۱۳۹۱ رشد استفاده از چوب برای گرمایش ۵۰ درصد افزایش یافته است و رشد استفاده از بوته ها ۱۰۰ درصد. همین امسال به دلیل سرمای شدید و طولانی در شمال کشور شالی کاران مجبور به فروش دسترنج یک ساله خود به قیمت های نازل شدند تا بتوانند گرمایش خانوار های خود را فراهم کنند. همزمان افزایش قیمت حامل های انرژی بزرگ ترین قربانیان خود را از میان فقر انتخاب کرد. وقتی پدر فقیری برای گرم کردن اتاق سرد محل سکونت همسر و ۳ کودک خردسال خود متوسل به وسایل غیر استاندارد می شود که منجر به مرگ هر ۵ نفر اعضای این خانواده می شود چه کسی پاسخ گو بوده است؟ فقر و نابرابری به شدت افزایش یافت. در اثر شوک قیمت های انرژی و به دنبال آن افزایش قیمت ارز و افزایش شدید و بی سابقه قیمت دارو در سید مصرف هر خانواری که یک سالمند در آن حضور دارد ۱۵۰ هزار و ۲۰۰ هزار تومان فقط قرص و دارو قرار دارد. در آن چه به نام اصلاح قیمت ها انجام شده است، ترجیح سود بنگاه ها بر جان انسانهاست. هدف از عدالت حفظ عزت نفس و کرامت انسان هاست. وقتی جان انسان ها به همین سادگی نادیده گرفته می شود آیا جایی برای حفظ عزت نفس آن ها در سیاست های اقتصادی دولت های نهم و دهم دیده می شود؟

اما به تازگی دکتر فرزین، دبیر ستاد هدفمندی یارانه ها در دولت احمدی نژاد بر این نکته تاکید کرد که با اجرای مرحله اول قانون هدفمندی یارانه ها وضعیت معیشتی خانوار های فقیر در کشور بهبود یافته است؟!

ببینید، کاهش فقر با توزیع پول محقق نمی شود چنان چه تجربه ۳ سال گذشته نشان می دهد. کاهش فقر با سرمایه گذاری و رشد اشتغال و تصحیح دستمزد ها به دستمزد های شایسته امکان پذیر می شود. افزایش قیمت حامل های انرژی فقط وقتی می تواند به اصلاح قیمت ها منجر شود که ابتدا تورم کنترل شده باشد. اما در شرایطی که این برنامه در ۳ سال

گذشته اتفاق افتاد این افزایش به شعله ور تر شدن تورم منجر شد. قربانیان اصلی تورم، فقرا و افراد فاقد دارایی هستند. ارزش دارایی صاحبان دارایی ها با تورم تعدیل می شود و قیمت دارایی های آن ها افزایش می یابد در نتیجه فاصله دارا و ندار بیشتر می شود یعنی نابرابری افزایش می یابد. بنابراین اجرای هدفمندی فقر و نابرابری بیشتر شد.

آقای دکتر، حضرت عالی به عنوان کسی که در دانشگاه تدریس می کنید، فکر می کنید چه میزان از مشکلات اقتصادی کشور ناشی از تحریم ها و فشار های خارجی است و چه میزان از آن ناشی از مسائل داخلی کشور است؟

به نظر بنده ریشه اصلی مشکلات به سیاست های داخلی بر می گردد. اگر این سیاست ها در جهت توسعه فرصت های رشد و اشتغال در کشور قرار می گرفت اصلا غرب به فکر تحریم ها نمی افتاد چون اقتصاد و جامعه از توان کافی برای مقابله برخوردار بود و تحریم هایی اثر می شد و به همین دلیل از ابتدا تحریم ها به این شکل گسترده شکل نمی گرفت همچنان که در ظرف ۳۵ سال گذشته ما تحریم داشتیم و حتی در دوره جنگ منابع ارزی هم نداشتیم اما غرب هیچ گاه نتوانست یک اجماع جهانی علیه کشور ما را شکل بدهد. وقتی این اجماع شکل گرفت که به ظرفیت های داخلی به دلیل فقدان سرمایه گذاری آسیب زده شد. بنابراین عمده مشکلات ما از سیاست های داخلی نشأت گرفته است. حتی مشکلات فعلی به نظر بنده حداکثر ۵ درصد معلول تحریم هاست و بقیه محصول تداوم سیاست های غلط اقتصادی است.

برخی صاحب نظران معتقدند یکی از مهم ترین مزیت های دولت احمدی نژاد این بوده است که مردم به آسیب های سیاست های پوپولیستی پی برده اند. آنان اکنون آثار افزایش نقدینگی بر تورم و قدرت خرید خود را لمس کرده اند و خواهان پای بندی به منطق اقتصاد شده اند. حتی بسیاری انتخاب آقای روحانی را نشانه مخالفت با تداوم اجرای سیاست های عوام فریبانه تلقی می کنند، دیدگاه شما چیست؟

البته آگاهی مردم و حساسیت آن ها به نقش تورم از جمله دستاوردهای این دوره است اما باید توجه داشت که این آگاهی ها برای مردم، جامعه، محیط زیست و حتی نسل های آینده بسیار پر هزینه بوده است و رای مردم هم به انتخاب آقای روحانی رای به تغییر این شیوه های مخرب ارزیابی می شود اما متأسفانه تبصره ۲۱ هدفمندی در لایحه بودجه ۱۳۹۳ تداوم برنامه های گذشته است. تحقق اهداف ریالی تعیین شده در این تبصره افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت های حامل های انرژی را به دنبال خواهد داشت (این مصاحبه قبل از مصوبه نهایی مجلس بود و با مصوبه نهایی میزان افزایش قیمت حامل های انرژی حدود ۸۰ درصد برآورد می شود) و اظهارات قبلی جناب آقای روحانی مبنی بر شیب تند افزایش قیمت بنزین این نگرانی ها را تشدید کرده بود که توضیحات بعدی ایشان مبنی بر شیب ملایم افزایش قیمت ها اندکی نگرانی ها را تخفیف داده است که البته در این صورت هدف های درآمدی تبصره فوق در سال ۱۳۹۳ تحقق نخواهند یافت.

همان طور که اشاره کردید، در آینده ای نزدیک شاهد افزایش حدود ۸۰ درصدی نرخ حامل های انرژی خواهیم بود، البته دولتی ها پیش بینی افزایش ۶۳ درصدی را داشته اند، با توجه به مشکلات به وجود آمده که شما نیز مطرح کردید، در مورد افزایش مجدد نرخ حامل های انرژی چه نظری دارید؟

طبق آمار رسمی اقتصاد کشور از رشد اقتصادی ۵ درصدی و تورم ۲۱ درصدی در سال ۱۳۸۹ به نرخ رشد ۵/۸- درصدی و تورم ۴۱ درصدی در سال ۱۳۹۱ رسید. ظرف ۳ سال نخست پرداخت یارانه نقدی مبلغ ۱۳۰ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت شد. تنها پرداخت سال نخست به قیمت های دلار آن زمان حدود ۳۰ میلیارد دلار بود که می توانست در فرصت های سرمایه گذاری در حوزه های مشترک نفتی با کشور های حاشیه خلیج فارس سرمایه گذاری شود. ضمن این که مانع از